

نظام و مدل تصمیم‌گیری جامعه ایرانی از سطوح خرد تا کلان:

از دیروز تا فردا

نمونه موردی: آسیب‌شناسی نظام انتخاباتی

عباسعلی شاهرودی^۱

چکیده

عرصه زندگی فردی و اجتماعی عرصه انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های بی‌شمار است. در بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها از دیروز تا امروز کشور، حاکمیت سلايق و اعمال نظرات فردی، باندی و قومی قابل مشاهده است. تصمیم‌گیری مبتنی بر خواسته‌ها، آمال و تجربیات شخصی و تحمیل آن بر جامعه، زمینه بروز روش آزمون و خطا را در عرصه اداره کشور در سطوح مختلف رقم زده است. عدم بکارگیری مدل‌های تصمیم‌گیری علمی همچون مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره و عدم بومی‌سازی آنها و تغییر مکرر تصمیمات اخذ شده در کشور، نظام تصمیم‌گیری کشور را با چالش عدم مشروعیت علمی روبرو ساخته است. تغییرات گسترده در تمامی سطوح مدیریتی و کارشناسی و انتظار روانی جامعه بعد از هر انتصاب و انتخاباتی، خود نشان‌دهنده عدم حاکمیت مدل تصمیم‌گیری علمی می‌باشد. از جمله کلیدی‌ترین بخش‌های تصمیم‌گیری فردی و اجتماعی، انتخابات و نظام انتخاباتی است که با تصمیم‌گیری آحاد مردم و بخش‌هایی از حاکمیت، تصمیم‌گیرندگان ارکان اداره جامعه انتخاب می‌گردند. از طرفی نظام انتخاباتی موجود در کشور را می‌توان مدلی منفعلانه از مدل دموکراسی غربی دانست. این نوشتار عدم بکارگیری مدل‌های علمی تصمیم‌گیری در گذشته و امروز کشور را در اتخاذ تصمیم یادآوری نموده و ملزم شدن تمامی اجزای حاکمیت به تصمیم‌گیری در چهارچوب روش‌های علمی و به حداقل رساندن اعمال سلايق و امیال و الزام به ارائه پیوست مدل علمی تصمیم‌گیری برای کلیه تصمیمات را پیشنهاد می‌نماید.

کلمات کلیدی: تصمیم‌گیری، علمی، شرع، دموکراسی، مردم‌سالاری دینی، مدل

^۱ دکتری معماری، استادیار گروه معماری دانشگاه مازندران: aashahroudi@gmail.com

۱. مقدمه

تصمیم‌گیری و انتخاب جزء غیر قابل انفکاک از زندگی فردی و اجتماعی آدمی است. برخی از تصمیم‌گیری‌ها به سادگی انجام گرفته ولی عمده تصمیمات نیازمند به بهره‌گیری از روشهای علمی است تا بعلت مداخله پارامترها و متغیرهای متعدد، گزینه‌ای بهینه از میان گزینه‌های مختلف انتخاب گردد. برخی از مدل‌های علمی تصمیم‌گیری مبتنی بر مبانی نظری خاصی بنیان نهاده شده و برای معرفی گزینه برتر و یا بهینه فرآیند و مراحل ویژه‌ای را پیشنهاد می‌هند. علاوه بر آن از ابزار کمی و عددی برای حصول به نتیجه بهره می‌گیرند. در گذشته عمده مدل‌های کلاسیک بر اساس یک معیار سنجش تعریف می‌شدند «اما توجه محققین در دهه‌های اخیر معطوف به مدل‌های چند معیاره^۲ برای تصمیم‌گیری‌های پیچیده گردیده است. در این تصمیم‌گیری‌ها بجای استفاده از یک معیار سنجش بهینگی از چندین معیار سنجش ممکن است استفاده گردد. این مدل‌های تصمیم‌گیری به دو دسته عمده تقسیم می‌گردند: مدل‌های چند هدفه^۳ و مدل‌های چند شاخصه^۴. مدل‌های چند هدفه به منظور طراحی به کار گرفته می‌شوند در حالی که مدل‌های چند شاخصه به منظور انتخاب گزینه برتر استفاده می‌گردند. (اصغرپور، ۱۳۸۵: ۱) روشهای متعددی در هر یک از مدل‌های مذکور ابداع شده و حتی نرم افزارهای رایانه‌ای متنوعی برای تسریع و تدقیق در تصمیم‌گیری‌های پیچیده تولید شده‌اند. عدم بهره‌گیری از روشهای مذکور و یا روشهای مشابه دیگر در تصمیم‌گیری‌های عمومی توسط مدیران و مسئولین و مجالس و مجامع و شوراهای و جلسات و کمیته‌ها و کمیسیون‌ها و بطور خلاصه تمامی نهادهایی که به تصمیم‌گیری در حوزه‌های عمومی اقدام می‌نمایند آسیب‌های بسیاری را به جامعه وارد نموده و می‌نمایند. از جمله مقاطع

2 MCDM: multiple criteria decision making

3 MODM: multiple objective decision making

4 MADM: multiple attribute decision making

مهمی که تصمیم‌گیری تأثیر بسیاری بر سرنوشت جامعه می‌گذارد تصمیم‌گیری در عرصه انتخابات می‌باشد که هم آحاد مردم و هم نهادها و مراکز و مراجع قانونی مجبور به اتخاذ تصمیم می‌باشند. این نوشتار به آسیب‌شناسی و طرح سؤالات بی‌پاسخ در خصوص مدل موجود در انتخابات کشور پرداخته و عدم طراحی و بکارگیری مدل‌هایی علمی برای تصمیم‌گیری در بخش‌های مختلف را مورد نقد قرار داده و اصلاح و بومی‌سازی مدل‌های مذکور را پیشنهاد می‌نماید.

۲. آسیب‌شناسی انتخابات در ایران

مردم سالاری دینی بعنوان مدل جهش یافته مدل دموکراسی می‌تواند با همراه نمودن عقل فرا زمینی با عقل جمعی، زمینه بروز خطا را در سیستم اداره جامعه کاسته و امکان تعالی و تکامل را برای همگان تسریع نماید تجزیه و تحلیل انتخابات سی و چهار سال گذشته بر مبنای چهارچوب‌های نظری و عملی موجود، چالش‌های اساسی متعددی را نمایان ساخته است. چالش‌هایی هم در عرصه نظر و هم در عرصه عمل. چالش‌هایی چون حاکم شدن احساسات‌گرایی بجای آگاهی محوری، رقابت‌افزایی بجای سبقت‌جویی، خصومت‌افزایی بجای تکلیف‌گرایی، برتری‌جویی بجای برتر‌جویی و ... خود نشان از بیراهه رفتن مردم سالاری موجود است که تمایز‌چندانی را با دموکراسی مغرب زمین نمایان نساخته و حتی در برخی عرصه‌ها بعلت ناقص بودن مدل موجود، از عمق ناهنجاری بیشتری نیز برخوردار می‌باشد.

اگر داشتن علم و آگاهی برای اخذ هر تصمیمی از منظر دین الزام شده است فقدان آن نزد عمده‌انتخاب‌کنندگان را چگونه نام مردم سالاری دینی می‌توان نهاد؟ اگر برپا شدن عدل، مبنای برقراری حکومت‌های الهی و دینی می‌باشد و عدالت را قرارگیری هرچیزی در موضع خویش بدانیم آنگاه چگونه تساوی دانایان با نادانان و ... به مردم سالاری دینی می‌انجامد؟ مدل و شیوه تصمیم‌گیری مردم و نهادهای حاکمیتی مبتنی بر کدام مدل علمی تصمیم‌گیری است؟ اساساً در مردم سالاری دینی چه کسانی باید توسط مردم برگزیده شوند؟ آنانی

که حداقل شرایط و حداکثر ابزار را در اختیار دارند و یا آنان که حداکثر شرایط و حداقل ابزار را در اختیار دارند؟ آیا در مردم سالاری دینی رقابت میان کاندیدهاست تا نظر انتخاب کنندگان را با هر ترفندی به خود جلب نمایند و یا تلاش مقدس انتخاب کنندگان است تا بهترینها را برگزینند؟ بعد از هر انتخاباتی، مردم چگونه بر منتخبین خویش نظارت دارند و چگونه میتوانند تصمیم گرفته و در صورت نیاز چگونه اعمال نظر نمایند؟

مدل مردم سالاری موجود مدلی ناقص و پر چالش بوده و علت اصلی آن را باید در ساختار این مدل که تصویری با حداقل ویرایش از همان مدل دموکراسی است جستجو کرد که مدلی منفعلانه را رقم زده است. لذا باید در دو سطح مبانی و سیستم های اجرایی مدل موجود را بسمت ایجاد مدل فعالانه اصلاح نمود تا از جامعیت لازم هم در نظر و هم در عمل برخوردار شده و به تعالی و تکامل جامعه بیانجامد. در این مقاله مسائل و معضلات موجود بر سر راه تصمیم گیری صحیح یکی از بنیان های مردمسالاری دینی یعنی انتخابات که متشکل از پنج نهاد اصلی: انتخاب کنندگان، انتخاب شوندهگان، نظام تبلیغات، دستگاه اجرایی و دستگاه نظارت است ارائه شده است و راهکارهایی اولیه پیشنهاد می گردد.

آیا مردمسالاری حاضر در کشور با دموکراسی غربی تفاوت بنیادی دارد؟

آیا روشهای انتخاباتی در کشور با روشهای بکارگرفته شده در غرب متفاوت است؟

بنیادی ترین نهاد تفکر دموکراسی انتخاب حاکمان توسط عموم مردم و حضور فعال مردم و یا منتخبین آنها در تمامی مراحل تصمیم گیری است و بعبارتی انتخاب حاکمان از طریق آراء عمومی. این انتخاب بر تمامی ساز و کارهای حاکم بر جامعه تاثیر نهاده و سایر ارکان دموکراسی (قانون اساسی، پارلمان، آزادی های مدنی، احزاب سیاسی، مطبوعات آزاد) نیز منبعث از آن می باشد. آنچه که تفکر اسلامی را از تفکر غربی مجزا می کند الزامات انسانی و شرعی برای تمامی شئون، افراد و مراحل متداخل در امر انتخاب حاکمان است. از آنجمله: انتخاب کنندگان/ انتخاب شوندهگان/ دستگاه اجرایی/ دستگاه نظارت/ نظام تبلیغاتی

۲-۱. انتخاب کنندگان:

از منظر دموکراسی عموم مردم کشور از هر طبقه و نژاد و قومی اجازه انتخاب کردن را دارند خواه قوه تمییز داشته باشند و یا فاقد توانایی تشخیص باشند خواه ناهنجاری های روانی داشته و یا از سلامت روانی برخوردار باشند خواه احساساتی و تابع شرایط تبلیغاتی ایجاد شده و یا منطقی و تابع تجزیه و تحلیل های علمی و عقلی. این روش و تفکر دقیقاً در مردمسالاری حاضر بکار رفته است. از منظر قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی شرایط زیر برای انتخاب کنندگان تعیین شده است: "۱. تابعیت جمهوری اسلامی ایران ۲. هجده سال تمام عاقل ۳. عاقل

بودن" <http://www.moi.ir/Portal/File/ShowFile.aspx?ID=a883261b-d158-439d-9365-2c86e42020f1>

در قانون انتخابات ریاست جمهوری بند ۲ به ورود به شانزده سال و بند ۳ به عدم جنون تغییر یافته است. با وضع چنین قواعد حداقلی عملاً تمامی افراد بالای شانزده یا هجده سال امکان انتخاب کردن را پیدا می نمایند. تنها قاعده انسانی که بسیار نیز اساسی است و در این قانون گنجانده شده عاقل بودن است اما چگونه عاقل بودن انتخاب کنندگان ارزیابی می شود و این در حالی است که در بند ۳ شرایط انتخابات کنندگان انتخابات ریاست جمهوری شرط عاقل بودن به عدم جنون تغییر یافته است و این با عاقل بودن بسیار متفاوت است.

عقل چیست؟ به چه کسی عاقل گویند؟ آیا هر آنکه دیوانه و مجنون نباشد عاقل می توان نامید؟ چگونه می توان عاقل بودن فردی را اثبات نمود؟ آیا عقل دارای مراتبی است؟ افراد با حداقل کدام مرتبه عقلی اجازه مشارکت در انتخابات را دارند؟

عاقل بودن مفهومی کلی است و مراتب مختلفی را می تواند در برگیرد. اما برای انتخاب کنندگان نمایندگان مجلس و یا ریاست جمهور که دو قوه مقننه و مجریه را در اختیار داشته و هم در مقیاس کوتاه مدت و هم در مقیاس بلند مدت تصمیمات کلان و بسیار موثری را باید اتخاذ نمایند به چه مرتبه ای از عقلانیت نیاز است؟ بعنوان مثال در شرایطی که تنظیم و بررسی یکی از لوایح قانونی-لایحه بودجه سالیانه- توزیع مبلغ دهها هزار میلیارد تومان است را افرادی بعهدہ دارند که توسط آحاد جامعه انتخاب شده اند. آیا نیاز به

توانایی ادراک عقلانی مناسب برای شناسایی افراد معتمد و کارآمد برای سپردن چنین امانت‌هایی بدانها نمی‌باشد؟ آیا حق رای دادن به تمامی افرادی که تحت تاثیر بسیار احساسات و هیجانات هستند به انتخاب عقلانی کمک می‌نماید؟ حال این سوال اساسی مطرح است چگونه همه آحاد جامعه توانایی تشخیص مناسب و تصمیم‌گیری صحیح را نسبت به افرادی که در گذشته هیچگاه ندیده و از ویژگی‌های اصیل آنها هیچ اطلاع جامع و کاملی نداشته در فرصت اندکی پیدا می‌نمایند؟ آیا عمده تصمیمات انتخاب‌کنندگان بر خلاف نص صریح فرمان خداوند در قرآن کریم مبنی بر تصمیم‌گیری براساس علم و آگاهی یقینی نمی‌باشد؟ **﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾** (اسراء، ۳۶) و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن زیرا گوش و چشم و قلب همه مورد پرسش واقع خواهند شد (فولادوند، ۱۳۷۷، ۲۸۵)

یک جامعه انسانی متشکل از گروه‌های اجتماعی متفاوت است. برخی از این گروه‌ها توانایی تصمیم‌گیری پیرامون برخی از نیازهای روزمره خویش را نداشته و یا اگر امور خطیری را بر عهده بگیرند مورد تعرض افراد سودجو قرار گرفته و آسیب‌های جدی بر آنان و امور مرتبطه وارد می‌گردد. همانگونه که از لحاظ توانایی‌های اقتصادی آحاد جامعه را میتوان در دهک‌های مختلفی طبقه‌بندی نمود و افراد حاضر در هر دهک توانایی تصمیم‌گیری در محدوده‌های اقتصادی مشخصی را دارند افراد یک جامعه را از لحاظ ادراکی نیز میتوان در گروه‌های مختلفی طبقه‌بندی نمود: افرادی با حداقل ادراک و افرادی در ترازهای میانی ادراک و افرادی در ترازهای بالا. دخالت یکسان دادن این گروه‌ها در تصمیم‌گیری‌های با مقیاس‌های مختلف با کدام معیار عقلی و شرعی سازگاری دارد؟

هر چند که طبقه‌بندی جامعه در دهک‌های مختلف اقتصادی آنهم جامعه‌ای با اطلاعات اقتصادی پنهان‌بیشمار، کار آسانی نمی‌باشد طبقه‌بندی ادراکی نیز کار بسیار سختی خواهد بود و نیازمند ارائه ساز و کارهای علمی مناسب و عادلانه می‌باشد. اما تاکنون چه اقداماتی بدین منظور انجام گرفته است؟ آیا تساوی آنان که می‌دانند و یا توانایی دانستن و

تشخیص سره از ناسره را دارند با آنان که نمی‌دانند و یا توان ادراک مناسب را ندارند با معیارهای دینی تطابق دارد و عادلانه است؟ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿زمر، ۹﴾ آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند تنها خردمندانند که پندپذیرند. (فولادوند، ۱۳۷۷، ۴۵۹)

آیا برآیند تصمیم‌گیری‌های این دو گروه به پایه‌گذاری و تقویت مردمسالاری دینی منتهی می‌گردد و یا تخریب و دور شدن از آن؟ لذا همانگونه که مشاهده گردید بخشی از انتخاب‌کنندگان حداقل شرایط انتخاب نمودن را نداشته و حتی ابزاری برای تشخیص افراد ذی صلاح از منظر عقل تعریف نگردیده و لذا سوء استفاده از عوام با تاثیرگذاری بر احساسات آنها در دموکراسی و مردمسالاری بسیار رایج است و تفاوت‌چندانی از این منظر میان آن دو مدل وجود ندارد.

امروزه روشهای مختلفی برای ارزیابی علمی خصائص و ویژگیهای روانی و توانایی‌های ادراکی و هوش مخاطبان بکار گرفته می‌شود. از آنجمله آزمون‌های هوش (شناختی و هیجانی) است که بصورت استاندارد بکار می‌روند. پژوهشهایی نیز پیرامون نحوه آزمون عقل با مبانی و تعاریف مورد قبول در چهارچوب تعالیم اسلامی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) انجام پذیرفته که می‌تواند با رفع نواقص برای ارزیابی انتخاب‌کنندگان مورد استفاده قرار گیرند. همچنین می‌توان با طراحی آزمون‌هایی استاندارد متناسب با هر انتخاباتی، میزان آگاهی و شناخت انتخاب‌کنندگان از نامزدها را ارزیابی نموده و در صورت شناخت حداقلی مجوز انتخاب را به هر فرد بصورت مکانیزه صادر نمود.

۲-۲. شرایط انتخاب شونده

در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی شرایطی را برای انتخاب شونده نام برده‌اند. از آنجمله است: اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام / تابعیت کشور / ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه/داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا معادل

آن/ نداشتن سوء شهرت در حوزه انتخابیه/ سلامت جسمی در حد برخورداری از نعمت بینائی، شنوایی و گویایی / حداقل سن سی سال تمام و حداکثر هفتاد و پنج سال تمام برای نامزدان ریاست جمهوری نیز شرایط زیر نام برده شده است:

از رجال مذهبی، سیاسی/ ایرانی الاصل / تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران مدیر و مدبر/ دارای حسن سابقه و امانت و تقوی/ مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور

از منظر مذاهب و فرق اسلامی و بلاخص تشیع، حاکمان و پیشوایان جامعه اسلامی می‌بایست واجد شرایط و خصائصی باشند تا بتوانند نامزد حاکمیت گردند و با از دست دادن هر یک از شرایط اساسی بدون نیاز به طی فرآیندی حقوقی به خودی خود از آن منصب عزل می‌گردند. تاکید موکد شرع نه تنها بر واجد شرایط بودن بلکه بر وجود شرایط حداکثری در نامزد مناصب می‌باشد و سپردن امور مسلمین بر غیر اصلح را خیانت بر خداوند و رسول و مسلمین اعلام نموده است. "قال رسول الله (ص): "مَنْ تَقَدَّمَ عَلَيَّ الْمُسْلِمِينَ وَ هُوَ يَرِي أَنَّ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ، فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الْمُسْلِمِينَ (حکیمی و دیگران، ج ۲، ص ۳۱۵)"

کسی که بر مسلمانان کارگزار گردد، در حالی که می‌بیند در میان آنان کسی شایسته‌تر از او وجود دارد، به خدا و پیامبر و مسلمانان خیانت کرده است."

در مردم سالاری دینی نیز که هدف از انتخابات گزینش افراد اصلح برای حاکمان و پیشوایی مسلمین در حیطه‌های مختلف زندگی اجتماعی است نیز همان شرایط حاکمان و پیشوایان می‌بایست حاکم باشد. این در حالی است که تناسب مناسبی میان شرایط قانونی و شرایط شرعی موجود نبوده و ابزارها و روشهای متناسبی با جامعه چند ده میلیونی برای گزینش و انتخاب عامه مردم پیش بینی نشده است و بعضاً از مردم تقاضا میشود که از روشهای سنتی برای انتخاب اصلح اقدام نمایند و این در شرایطی توصیه می‌گردد که نهادهای فرادستی خود در تشخیص، بارها دچار خطاهای عظیمی شده و آسیب‌های جبران ناپذیری را بر کشور و ملت تحمیل نموده‌اند. از طرف دیگر برای همین شرایط حداقلی نیز چهارچوب

روشن و قابل اندازه گیری نه برای نهادهای بررسی کننده صلاحیت کاندیداها و نه برای مردم تعریف نشده است. و در عمل زمینه تصمیم گیری براساس احساسات و سلیق و نگرشهای قومی و قبیله ای را فراهم آورده است. سوالات بسیاری در نحوه ارزیابی شرایط مذکور مطرح است از آنجمله:

چگونه دستگاه نظارتی و مردم به مدیر و مدبر بودن نامزدها پی می برند؟
چگونه توان مدیریتی نامزدها را بصورت علمی ارزیابی نموده و به ترتیب الویت طبقه بندی می نمایند؟

حداقل توان مدیریتی چقدر باید باشد تا نامزد تائید صلاحیت گردد؟
افرادی که به دلیل مواضع انتقادی و یا اعمال سلیق خاص دولت ها فرصت کسب مدیریت را نمی یابند چگونه ارزیابی می شوند؟ آیا تاکنون حقوق آنها حفظ شده است؟
میزان ایمان و التزام عملی به اسلام را چگونه ارزیابی می نمایند؟
چگونه می توان میزان ایمان نامزدها را با یکدیگر مقایسه نمود و نامزدها را به ترتیب الویت طبقه بندی نمود؟

حداقل ایمان آنان به چه میزانی باید باشد تا تائید صلاحیت گردند؟
به چه کسانی رجل سیاسی گفته می شود؟ مدیران اجرایی تمامی سازمان ها، فعالان سیاسی، فرماندهان نظامی، ورزشکاران؟
رجل سیاسی بودن با کدام معیارهای علمی ارزیابی شده و حداقل شرایط مورد نیاز چه میزان است؟

به چه کسانی رجل مذهبی گفته می شود؟ با کدام معیارهای علمی ارزیابی شده و حداقل شرایط مورد نیاز چه میزان است؟

مردم چگونه می توانند رجل مذهبی بودن نامزدها را ارزیابی نموده و الویت بندی نمایند؟
برآیند شرایط مذکور چگونه برای هر نامزد استخراج شده و حداقل امتیاز مورد نیاز برای تائید صلاحیت چه میزان است؟ آیا هر نامزدی خود می تواند به ارزیابی شرایط خود پرداخته و شرایط خود را با حداقل امتیاز مورد نیاز تطبیق داده و احتمال رد صلاحیت

خویش را بصورت علمی و نه سلیقه ای ارزیابی نموده و حتی ارزیابی از سایر نامزدها داشته و براساس تعالیم دینی و آموزه های عقلی و انسانی به نفع نامزد افضل کناره گیری نماید؟ علت ثبت نام هزار نفری برای نامزدی ریاست جمهوری در دوره های اخیر چیست؟

۲-۱-۲. ویژگی های حاکم و امام و پیشرو از منظر تفکر شیعی:

بنابر حدیث فوق الذکر، مسلمین می بایست از میان شایستگان، شایسته ترین فرد را برگزینند. اما شایسته در چه چیزی؟ میتوان ویژگی هایی چون علم، عدل، شجاعت و تقوا را از جمله معیارهای اساسی مورد نیاز در حاکمان جامعه اسلامی دانست. و افرادی که در بالاترین مرتبه در مجموع آن ویژگی ها قرار دارند صلاحیت دریافت مناصب حکومتی را دارند. در ادامه چالش های اساسی در نحوه ارزیابی معیارهای فوق بیان می گردد:

۲-۱-۱-۲. علم:

از ویژگیهای اساسی برای تصمیم گیری عالم بودن است از منظر تفکر اسلامی و حتی از منظر عقلی عالم بودن کفایت نمی کند بلکه قرارگیری فرد در بالاترین سطوح علمی نیاز می باشد. در قرآن کریم این موضوع با عنوان بسط علمی ذکر گردیده است:

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۴۷﴾

و پیامبرشان به آنان گفت: در حقیقت خداوند، طالوت را بر شما به پادشاهی گماشته است.. گفتند: چگونه او را بر ما پادشاهی باشد با آنکه ما به پادشاهی از وی سزاوارتریم و به او از حیث مال، گشایشی داده نشده است؟ پیامبرشان گفت: در حقیقت، خدا او را بر شما برتری داده و او را در دانش و (نیروی) بدن بر شما برتری بخشیده است. و خداوند

پادشاهی خود را به هر کس که بخواهد می دهد و خدا گشایشگر داناست.
(فولادوند، ۱۳۷۷، ۴۰)

از طرف دیگر در احادیث و روایات متعددی از پیامبر اسلام و امامان بر انتخاب شایسته ترین و داناترین افراد برای اداره امور جامعه تاکید شده است از آنجمله حضرت علی (ع) می فرمایند: و أنْ یكونَ أعلمَ الناس بحلال الله و حرامه و ضروب أحكامه و أمره و نهیه و جمیع مایحتاج إلیه الناس؛ (مجلسی، ج ۲۵، ح ۱۶۵)

کارگزار (جامعه اسلامی) باید داناترین مردم به حلال و حرام خدا و احکام گوناگون و امر و نهی الهی و هر آنچه را که مردم بدان نیازمندند، باشد.

در کدام قانون از قوانین به عالم و متخصص بودن نامزد انتخابات اشاره شده است؟

نیازهای علمی هر یک از مناصب انتخابی در کدام قانون استخراج شده است؟

شیوه بررسی علمی توانایی علمی و تخصصی نامزد چگونه است و کدام نهاد بررسی می نماید؟ آیا می توان کمیسیون بهداشت مجلس را به نمایندگان با مدرک رشته های فنی و مهندسی و یا کمیسیون عمران را به علمای رشته های علوم انسانی و.... سپرد؟ چگونه متناسب با نیازهای تخصصی نهادهای انتخابی از جمله شوراهای شهر و روستا، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان افراد اعلم هر حوزه تخصصی به نهادهای مربوطه وارد می شوند؟ برنامه ریزی شده و یا تصادفی؟

با توجه به گسترش بی ضابطه مراکز دانشگاهی و اعطای مدارک تحصیلی بی کیفیت چگونه توانایی های علمی نامزدها بررسی می شود؟ صرف داشتن مدرک برای قرارگیری در زمره افراد صالح کفایت می کند؟ چگونه است برخی از سازمانها همچون نظام مهندسی ساختمان برای احراز صلاحیت دارندگان مدارک تحصیلی در رشته تخصصی خود اخذ شده از هر گونه دانشگاهی، برای ارائه خدمات تخصصی در مقیاس خرد، آزمون تخصصی برگزار نموده و بسیاری از مهندسان از دریافت پروانه فعالیت محروم می شوند؟ قانون گذاری و اجرای قوانین در مقیاس کلان سهل تر از ارائه خدمات حرفه ای است؟

آیا معیارها و روش انتخاب اعلم به مردم آموزش داده شده است؟
آیا برخی از مشکلات جامعه به عدم تخصص کافی مسئولان سه قوه متناسب با حوزه
فعالیت شان مرتبط نیست؟

۲-۱-۲. عدل و شجاعت و تقوا:

مبانی نظری، تعاریف و معیارهای فوق در کدام قانون تبیین شده است؟
در کدام قانون از قوانین به عادل و شجاع و با تقوا بودن نامزد انتخابات اشاره شده است؟
حداقل میزان وجود عدالت و شجاعت و تقوا در نامزد در هر یک از مناصب انتخابی در کدام
قانون استخراج شده است؟

شیوه بررسی علمی هر یک از معیارهای فوق در نامزدها چگونه است و کدام نهاد بررسی
می نماید؟ معیارهای کمی و قابل اندازه گیری آنها کدامند و چگونه و توسط کدام نهاد
ارزیابی می گردد؟

آیا معیارها و روش انتخاب عادل ترین و شجاع ترین و با تقواترین نامزد به مردم آموزش
داده شده است؟

آیا برخی از مشکلات جامعه به عدم باور به عدالت و عدم وجود عدالت در مسئولان سه قوه
مرتبط نیست؟

چگونه میتوان شجاعت را از جسارت بیش از اندازه و خطرآفرین برای جامعه تشخیص داد؟

تعریف جامع و مورد توافق از تقوا چیست؟ آیا توافق در شرایط فعلی موجود است؟

با اطلاعات موجود ارزیابی ها بیشتر احساسی و نامعتبرند و یا عقلی و معتبر؟

آیا برخی از مشکلات جامعه و بروز انواع مفاسد به عدم وجود ایمان و تقوای الهی و نفوذ
افراد ریاکار و منافق در میان مسئولان سه قوه مرتبط نیست؟

۲-۳. نظام تبلیغاتی

اگر هدف از تبلیغات را تسهیل شرایط برای انتخاب کنندگان برای آشنا شدن با نقاط ضعف
و قوت و برنامه های نامزدهای انتخابات برای انتخاب فرد اصلح بدانیم نه فریب و گمراه

نمودن آنان برای انتخاب صالح بجای اصلح، در آنصورت ابزار و روشهایی متناسب برای تحقق آن هدف لازم است. و اگر براساس تعالیم قرآنی مومنین به سبقت گرفتن در امور خیر از یکدیگر دعوت شده اند قطعاً به بهترین طرق و نه به بدترین شیوه‌ها. آیا سبقت گرفتن در امور خیر همان رقابت برای کسب قدرت به هر وسیله است؟ و یا واگذار نمودن آن به شایسته‌تر از خود؟ بصورت جامع‌تر می‌توان گفت تبلیغات انتخاباتی می‌تواند با اهداف متفاوتی صورت پذیرد از جمله:

- معرفی صادقانه توانمندی‌ها و ضعف‌ها و یا روتوش ضعف‌ها و حتی نمایش آنها بصورت نقاط قوت و یا اغراق در توانمندی‌ها

- کمک به انتخاب آگاهانه و منطقی مخاطبان با پاسخگویی به نیازهای ادراکات عقلی و یا تاثیرگذاری بر احساسات مخاطبان در جهت غالب شدن تصمیم‌گیری احساسی بر تصمیم‌گیری منطقی با بهره‌گیری از روشهای مختلف علوم رفتاری و روانشناسی مخاطبان

- معرفی واقع بینانه پایگاههای فکری و نظری و یا برجسته نمودن تعلقات قومی و قبیله‌ای، زبان و نژاد

- شناساندن خلیقات، سلاقی و علایق اصیل و ویژگیهای روانشناختی و درونی نامزد و یا برجسته نمودن ویژگی‌های فیزیولوژیکی همچون زیبایی ظاهری، تناسب اندام، نوع جنسیت

بررسی ابزارها و روشهای تبلیغاتی متعارف در انتخابات سالیان گذشته برگسترش روزافزون روشهای ناصواب و ناسازگار با مبانی شرعی تاکید داشته و ناهنجاریهای عمیق و گسترده‌ای را بعضاً سبب شده است. از جهت دیگر ناعادلانه بودن ابزار، امکانات و توان اقتصادی و پشتیبانی، رقابت نامتوازن و غیر دینی را در انتخابات رقم زده است که با توجه به عدم وجود قوانین جامع و شفاف پیرامون تبلیغ، مفسد گسترده‌تری را نسبت به جوامع غربی سبب شده است.

از جانب دیگر استفاده غیر قانونی و غیر شرعی و سازمان دهی شده از برخی نهادهای عمومی و ملی و مذهبی زمینه ایجاد رقابت های ناعادلانه و تعمیق غیر دینی شدن مردمسالاری موجود را سبب شده است.

بهره گیری از انواع روشهای تبلیغاتی منبعت از علوم مغز و اعصاب چالشهایی جدی برای انتخاب فرد اصلح از طریق ادراک عقلی و منطقی است سارجنت، عصب‌شناسی که مطالعات او در مورد فیزیولوژی تغییر عقیده بر اثر تبلیغات و شست‌وشوی مغزی اشتهار جهانی دارد، آثار فیزیولوژیکی و مغزی پیامهای تبلیغاتی را مورد تأیید قرار داده است. اکنون بیش از پیش مشخص شده است که امواج الکتریکی مغز انسان نسبت به محرکات ریتمیک حساس است. از میان عوامل تحریکی می‌توان موسیقی و نور را نام برد. حتی در مواردی با بعضی از سرعتهای ریتم مغز، می‌توان در کارکرد مغز ناهنجاری ایجاد و حتی می‌توان مبادرت به ایجاد حالات انفجاری در مغز کرد (سارجنت، ۱۳۷۲: ۱۵۷) باور بسیاری از متخصصان علوم مغز و رفتار بر آن است که بسیاری از کنشهای آدمیان را می‌توان از طریق بیست ناقل از دویست ناقل اصلی شیمیایی مغز آنها تحت کنترل درآورد. از بین دویست ناقل شیمیایی مغز، رابطه سروتونین، نورآدرنالین و اندروفین و دوپامین با پیامهای عملیات روانی و نیز فنونی همچون محرومیت حسی، بی‌خوابی و بمباران اطلاعاتی بیشتر مورد مطالعه قرار گرفته است. (http://www.bashgah.net/fa/content/print_version/19698).

از طرف دیگر ناکارآمدی ابزار و روشهای تبلیغات برای شناساندن فرد اصلح، امکان انتخاب صحیح را ناممکن نموده است و با تصویربرداری ناقص از روشهای تبلیغاتی در غرب هرگز امکان انتخاب اصلح را برای انتخاب کنندگان فراهم نیاورده است

نکته بسیار اساسی که در تبلیغات مورد غفلت قرار گرفته است عدم باور کاندیداها و طرفدارانشان برای کمک به مردم برای انتخاب افضل و اصلح است حال اگر هدف اینگونه تعریف شده باشد صحنه تبلیغات انتخاباتی به صحنه جنگ و درگیری و فریب و دروغ و اغراق تبدیل می‌گردد و یا به صحنه سبقت جویی برای انجام بهترین عمل . که در اینجا

یاری رساندن به مردم برای گزینش شایسته‌ترین است. خداوند در آیه دوم سوره ملک می‌فرماید: **الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿۲﴾** **﴿ملک، ۲﴾** همان که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید، و اوست ارجمند آمرزنده. (فولادوند، ۱۳۷۷، ۵۶۲)

۲-۴. دستگاه اجرایی

دستگاه اجرایی انتخابات دولت مستقر می‌باشد. این در حالی است که دولت خود رقیب انتخاباتی با دیگر نامزدها در تمامی انتخابات می‌باشد. وابستگی دولتها به احزاب و گروههای سیاسی و تمایل آنها به در اختیار گرفتن سایر نهادها سبب می‌گردد چالشهایی در برگزاری سالم انتخابات بروز نماید. اعتراضات صورت گرفته به نتیجه انتخابات و پیامدهای بعدی آن از نشانه‌های وجود مشکلاتی اساسی در فرآیند برگزاری انتخابات است. تعیین معیارهایی علمی و قابل ارزیابی برای بررسی صلاحیت اعضای هیئت‌های اجرایی و مستقل نمودن دستگاه اجرایی از دولت‌ها و شفاف‌سازی تمامی مراحل انتخابات و استفاده از ابزارها و روشهای نوین و اطمینان بخش می‌تواند بستر مناسبی را برای برگزاری سالم انتخابات فراهم نماید.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری :

زندگی اجتماعی در دنیای معاصر با پیچیدگی‌های بسیاری در عرصه‌های تصمیم‌گیری روبرو است. استفاده از روشهای سنتی و غیر علمی به حیف و میل شدن سرمایه‌های ملی منتهی شده و تصمیمات حاکمیت را با بحران عدم مشروعیت علمی در افکار عمومی دچار می‌نماید. بهره‌گیری از مدل‌ها و روشهای علمی و بومی‌سازی آنها در سطوح خرد و کلان می‌تواند جامعه را از تسلسل سعی و خطاهای مکرر دور نماید و راه‌حل‌های بهینه را جایگزین راهکارهای پرهزینه نماید.

ملزم شدن تمامی اجزای حاکمیت به تصمیم‌گیری در چهارچوب روشهای علمی و به حداقل رساندن اعمال سلايق و امیال شخصی و قومی و باندي و سیاسي و الزام به ارائه

پیوست مدل علمی تصمیم‌گیری برای کلیه تصمیمات می‌تواند از بسیاری از آسیب‌ها کشور و نظام را مصون داشته و پیشرفت آن را تسریع نماید. این امر مستلزم حرکتی دو سویه می‌باشد: هم از جانب حاکمیت و هم از طریق مردم. اصلاح قوانین و قواعد مرتبط با هرگونه تصمیم‌گیری مرتبط با سرنوشت جامعه چه در مقیاس محلی و چه در مقیاس ملی می‌تواند سرآغاز مناسبی برای این امر باشد. از جمله مهمترین و موثرترین تصمیمات، انتخابات در کشور است. با اثبات ناهنجاری‌ها و چالش‌های متعدد در نظام انتخاباتی مبتنی بر دموکراسی و همچنین مردم‌سالاری موجود، حتی در نهادهای صنفی مبتنی بر دموکراسی، می‌توان مدلی فعال را برای اتخاذ بهترین تصمیم و حاکمیت شایسته‌ترین افراد طراحی نمود. در این صورت است که می‌توان بسوی مردم‌سالاری دینی حرکت نمود. هر چند طراحی این مدل نیازمند مشارکت نخبگان و نظریه پردازان می‌باشد و در گامهای اولیه با بکارگیری این مدل در مقیاس خرد همچون انتخابات نهادهای صنفی می‌توان در فرآیندی صحیح، عیوب مدل کشف و آماده بکارگیری در مقیاس کلان شود.

۴. منابع و مآخذ

- الله، اسماء الحسنی، (۱۳۷۳) قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم
- اصغرپور، محمد جواد، (۱۳۸۵) تصمیم‌گیری چند معیاره، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- بیات، اسدالله، (۱۳۸۳) عقل و خرد و ابعاد آن از زاویه نگاه امام علی (ع)، پژوهشنامه متین، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، شماره ۲۳ و ۲۴،
- حکیمی محمدرضا و دیگران، (۱۳۷۵)، الحیاه، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۳۷) لغت‌نامه دهخدا، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، تهران
- سارجنت، ویلیام، (۱۳۷۲) فیزیولوژی برگشت از عقیده سیاسی و شستشوی مغزی، ترجمه فرخ بهزاد و ایراندخت صالحی، انتشارات صدوق، تهران
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴) بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت
- مشکات محمد، (۱۳۸۴) آسیب‌شناسی دموکراسی، تاریخ انقلاب اسلامی، تهران

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

میر دریکوندی، رحیم، (۱۳۸۸) مقیاس مقدماتی سنجش عقل، روانشناسی و دین، مؤسسه

آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، شماره ۵

میر دریکوندی، رحیم، (۱۳۹۰) هوش هیجانی، پیشینه و رویکردها از نگاه دین و

روانشناسی، روانشناسی و دین، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، شماره سوم

قادری حاتم، (۱۳۸۰) اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، سمت، تهران، چاپ اول

<http://www.asriran.com/fa/news/>

<http://www.bashgah.net/fa/content/>

<http://farsi.khamenei.ir/imam-content>

<http://www.hamandishi.net/2010/index>.

<http://www.hawzah.net/fa/articlealphabet>

<http://www.mazandnezam.org>